

# به مناسبت سالروز مهسا (ژینا)

بیانیه‌ی

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک  
ایران



خیزش انقلابی □□□□□□ □□□□□□ که در اعتراض به کشته شدن مهسا (ژینا) امینی توسط گشت ارشاد جمهوری اسلامی شروع شد، روز ۲۵ شهریور (۱۶ سپتامبر) یکساله می‌شود و همراه خود خاطره هزاران تن از مبارزینی که زندگی خود را چه در ۴۴ سال گذشته و چه در طول جنبش مهسا برای کسب دموکراسی در ایران از دست دادند زنده می‌سازد.

خروشی که با نام مهسا آغاز شد نه تنها دولت مستبد مذهبی، اقتدارگرا و تجددستیز را بیش از گذشته از اعتبار اجتماعی ساقط کرد، بلکه حوزه‌های اعتقادی شان را هم صریحا و مصرانه به چالش کشید، آنگونه که امروز حتی خودی‌هایی از میان این تجدد ستیزان، مانند اصلاح طلبان، را به جمع شکاکین و چالش‌گران کشانده است و از هر خانه‌ای صدایی مهسا مانند بگوش می‌رسد؛ صدایی که نه پوشاندنی است و نه خاموش شدنی.

رهایی از فشار و سلطه و تبعیض دینی و اتنیکی، به ویژه نسبت به زنان، جوانان و اقلیت‌های قومی، برای یک زندگی در آزادی، از خواسته‌های اصلی "جنبش زن، زندگی، آزادی" بوده و هست.

با وجود این، باید از تورم لجام گسیخته، بی ارزش شدن پول ملی و بیکاری که کمر مردم را زیر بار گرانی و نداری خم کرده و نرخ بالای تورم که اقتصاد کشور را در سراشیب سقوط قرار داده است هم به عنوان عوامل مهم نارضایتی مردم نام برد.

گسترش و شدت اعتراضات، رادیکال بودن خواسته‌های معترضین در خیابان‌ها که به کمتر از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی راضی نبودند، و یا دادن شعارهای رادیکال از پنجره خانه‌ها در ساعات شب که نوک و مرکز قدرت را نشان گرفته بود، باعث استیصال دولت و نیروهای سرکوبگر آن شده و رژیم بیش از هر زمان به سرنگونی و سقوط نزدیک شده بود.

صدها کشته، هزاران زخمی و به بند کشیدن بیش از بیست هزار نفر، نتیجه خشونت لجام گسیخته نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی می باشد.

امروزه اگر چه اعتراضات خیابانی فرو کش کرده، اما به رغم تمام سرکوب‌ها، مبارزات مردم بویژه زنان و جوانان ادامه دارد. دختران و زنان با نافرمانی مدنی در مورد حجاب اجباری هرروز در حال مبارزه و به تمسخر گرفتن قوانین زن ستیز حجاب جمهوری هستند.

وظیفه اپوزیسیون جمهوری خواه، دموکرات و لائیک در خارج از کشور، پشتیبانی از جنبش انقلابی داخل و گسترش همبستگی بین‌المللی با آن و تلاش برای ایزوله کردن هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی در جهان است.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران از تمام حرکت‌های اعتراضی روز ۱۶ سپتامبر، سالروز قتل ژینا، پشتیبانی و حمایت می‌کند و در راستای سنت‌های خود، خواهان همکاری و همگرایی با روندهای

جمهوری خواه در خارج از کشور بوده و هست. این امر، به ویژه امروز، در شرایطی که جریان های اقتدارگرا و غیردموکرات، از طیف های مختلف سیاسی، با مشاهده برآمدن خیزش انقلابی در داخل کشور و احتمال فروپاشی نزدیک رژیم، سخت به تکاپو برای طرح شعارها و آترناتیوهای خود افتاده اند، بیش از همه ضروری و مبرم می گردد.

## زن، زندگی، آزادی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

9 سپتامبر ۲۰۲۳ - 18 شهریور 1402



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

---

در محکومیت بازداشت های اخیر در  
گیلان



## بیانیهی جمعی از کنشگران مدنی و فعالان حقوق زنان

در آستانه سالگرد کشته شدن ژینا امینی، فشارها بر فعالین مدنی و خانواده‌های دادخواه در سراسر کشور افزایش پیدا کرده است. تهدید، احضار و بازداشت اعضای خانواده چنانچه خیزش ژینا در روزهای اخیر، حاکی از آن است که حاکمیت تمامی ابزارهای سرکوبگری خود را در جهت جلوگیری از برگزاری مراسم برای جان‌های عزیز از دست رفته و ممانعت از گرامیداشت یاد و نام آنها در خانه‌ها و خیابان‌ها به کار گرفته است.

از طرف دیگر، علیرغم تبلیغات گسترده پیرامون «عفو عمومی»، پرونده‌سازی‌ها و صدور و تایید احکام حبس طولانی‌مدت و اجرای احکام برای تعدادی از بازداشت‌شدگان خیزش ژینا به طور بی‌وقفه ادامه دارد. نیروهای امنیتی در سراسر کشور با یورش به منازل فعالان سیاسی و مدنی که با شکستن در خانه، تفتیش و ضبط لوازم الکترونیکی همراه بوده است، سناریوسازی‌های خود را پیش برده‌اند.

بازداشت جمعی از فعالان حقوق زنان و فعالین سیاسی در گیلان (متین یزدانی، جلوه جواهری، شیوا شاه‌سیاه، نگین رضایی، زهره و زهرا دادرسی، یاسمین حشدری، فروغ سمیع‌نیا، آزاده چاوشیان، واحده خوشسیرت، سارا جهانی و هومن طاهری) و تکرار

سناریوهای بی‌اعتبار درباره آنها توسط وزارت اطلاعات و رسانه‌های وابسته به نهادهای امنیتی، از جمله فشارهای اخیر بر فعالان مدنی است که به وضوح از هراس نزدیک شدن به سالگرد خیزش ژینا نشأت می‌گیرد و با هدف انتقام‌جویی علیه خیزش درون‌زای «زن، زندگی، آزادی» ادامه دارد. طی این مدت، تنها «واحد خوشسیرت» و «نگین رضایی» با تودیع قرار وثیقه به‌صورت موقت آزاد شدند و دیگر بازداشت‌شدگان، کماکان در بند نیروهای امنیتی هستند.

خانواده‌های بازداشت‌شدگان گیلان تا چندین روز از محل نگهداری آنها بی‌خبر و سرگردان و بلا تکلیف نگه داشته شده بودند. وزارت اطلاعات، در اطلاعیه‌ای در حالی مدعی شد «دو نفر از سرکردگان این تیم تشکیلاتی در دوره‌های براندازی نرم که توسط سرویس‌های اطلاعاتی دشمن در خارج از کشور برگزار شده‌اند آموزش دیده‌اند» که این افراد سوابق روشن و شفاف‌ی در حوزه کنشگری فمینیستی مستقل دارند و نام‌هایی شناخته‌شده در میان جامعه مدنی ایران هستند.

اگرچه فشار وارده بر کنشگران اجتماعی زخم جدیدی بر تن جمعی فعالان برابری جنسیتی است اما، همان‌طور که بازداشت‌ها و کشتار گسترده پس از آغاز خیزش، موجب عقب‌نشینی مردم و بویژه زنان از خواسته‌هایشان نشد، بدیهی است که پرونده‌سازی‌های جدید نیز جوش و خروشی را که به نام ژینا برپا شده، خاموش نخواهد کرد.

ما جمعی از کنشگران مدنی و فعالان حقوق زنان این روند را محکوم می‌کنیم و خواستار توقف پرونده‌سازی و سناریوبافی و آزادی بی‌قید و شرط تمامی فعالان بازداشت‌شده هستیم. ما اعلام می‌کنیم که تا روز رهایی، آنها را نام می‌بریم و صدایشان هستیم.

## اسامی امضاکنندگان:

آتنا کامل آذین - رضایان - آزاده اکبری - آزاده بجزارگیتی - آزاده خرازی - آزاده صادقی - آزاده گنجه - آسیه امینی - آمنه رضایی - آناهیتا حسینی - آیدا جودکی - آیدا سعادت - آیدا فجر - احترام شادفر - اسماعیل مهرانفر - افروز مغزی - الناز انصاری - الهام صالحی - الهه اجباری - امید ایرانمهر - الهه بیننده - ایمان گنجی - باربد گلشیری - بریحه مسرور - بنفشه جمالی - بنفشه رنجی - بهار آزادی - بهشاد تجمّل - بهناز بهدار - پارمیدا عطاری - پرستو اله یاری - پرستو بیرانوند - پرستو فروهر - پروین اردلان - پروین ضرابی - پریسا سردشتی - پگاه شیرکوند - پویا خازنی اسکویی - ترانه علیدوستی - ترمه کشمیری - تیبا بنیاد - حامد داوری - حانیه متحیر - حسین پرهیزگار - حمیدرضا واشقانی فراهانی - حوریه فرجزاده طارانی - خدیجه مقدم - داراب شباهنگ - دلارام علی - دلشاد مرصوص - دنیا راد - دینا قالیباف - رضوان مقدم - رها عسکریزاده - رهام سبحانی - روجا فضائی - روزبه سیدی - روژین موکریان - روشنگ روزبھانی - ریحان ریحانی - ریحانه سعیدی - ریحانه طراوتی - زرین جوادی - زمان مسعودی - زهرا اشعری - زهره رجبی - زینب پیغمبرزاده - ژیلا بنی‌یعقوب - ژیلا مکوندی - ژینوس تقی‌زاده - سارا حسینی - سارا سیاهپور - سارا کرمانیان - سارا نوری - سبا افقه - سبا معمار - سپیده ابطحی - سپیده احمدخانی - سپیده جدیری - سپید قائمی - ستاره سجادی - ستاره عزت‌آبادی - سحر سلحشور - سحر مصیبی - سعیده حسنی - سما اوریاد - سمانه اصغری - سمانه سوادی - سمانه عابدینی - سمن حاجی محمد - سمیرا حاتمی - سمیه رستم‌پور - سمیه رشیدی - سمیه قدوسی - سهراب مختاری - سهند سعادت‌مندی - سودابه رخش - سوزان کریمی - سمیرا راهی - سوسن طهماسبی - سیمین فروهر - شبّتم مقدسی - شکوفه دزفولی - شھلا انتصاری - شھلا خاوری - شھناز اکملی - شیرین برق‌نورد - شیرین کریمی - شیما قوشه - شیوا شریفزاد - شیوا نظرآھاری - صبا آلله - صبا شعردوست - صبرا رضایی - ضیاء نبوی - طلعت تقی‌نیا - طنین عصفوری - عالیہ مطلبزاده - عباس شھرابی فراهانی - عسل عباسیان - عشا مومنی - علی غلامی - علیرضا بہنام - علی سالم - علی ندیمی - غنچه قوامی - فائزہ دائمی - فائزہ میرحسینی - فاتیمہ باباخانی - فاطمہ حسینزاده - فاطمہ شمس - فاطمہ صدق‌زاده - فاطمہ قریبی - فاطمہ مھدوی - فاطمہ یزدانی - فاطمہ کریمی - فخری شادفر - فرزاد نیک‌آئین - فرزانه ناظران‌پور - فرزانه راجی - فرشته حبیبی -

فرشته طوسی - فرنگیس موسوی - فروزان فراها نی - فریبا وفی - فضی  
کوثری - فهیمه خضر حیدری - فیروزه مهاجر - کامران صداقتی -  
کامنوش خسروانی - کاوه کرمانشاهی - کتایون برزگر - کریم محمدی  
- کژال اللهیاری - کسری چلبی - کوثر رحیمزاده - کیانا کریمی -  
گلاره عباسی - گلاله بهرامی - گلچهر حمیدیمنش - لاله ابر - لعیا  
هوشیاری - لیلا اسدی - مائده دلبری - ماریا عبدی - مانیا اکبری  
- محبوبه ابراهیمی - محبوبه حسینزاده - محبوبه عباسقلیزاده -  
محدثه زارع - محدثه فاطمی - محسن حکیمی - محمدکریم آسایش -  
مرضیه امیری - مریم اشرافی - مریم اکبرپور - مریم ایمانی -  
مریم پالیزبان - مریم جوادی - مریم رحمانی - مریم رضایی - مریم  
زند - مریم فتحی - مریم فومنی - مریم کریمبیگی - مریم لشکری -  
مریم میرزانژاد - مژگان تقونیا - ملی جعفری - ملیحه ریاضی -  
ملیکا امین توکلی - منصوره شجاعی - منیره سادات علوی - منیژه  
موذن - مهتاب سعادتمندی - مهتاب محبؤب - مهتاب محمودی - مهدی  
یوسفی - مهدیه گلو - مهسا اسداله نژاد - مهسا طالبی - مهسا  
غلامعلیزاده - مهناز پراکند - مهناز محمدی - مونا تجلی - میترا  
ابراهیمی - میلاد پورعیسی - مینا جعفری ثابت - مینا کشاورز -  
مینا محمودیان - مینو مومنی - نازلی کاموری - نجمه واحدی - ندا  
هوشنگ - نزهت بادی - نسترن جنیدی - نسترن صارمی - نسیم  
روشنایی - نسیم سلطان بیگی - نعیمه دوستدار - نفیسه ملکی جو -  
نگین شیخ الاسلامی وطنی - نگین شیرآقایی - نگین صنیعی - نورا  
شفیعزاده - نوشین احمدی خراسانی - نوشین دادور - نوشین  
کشاورزنی - نیره توحیدی - نیلوفر فولادی - نیلوفر هومن - نیما  
مختاریان - نینا وباب - هاله میرمیری - هدا امینیان - هدی امین  
- هستی امیری - هنگامه هویدا - هیرش خیرآبادی - یگانه خویی

برگرفته از سایت اخبار روز

شنبه, ۴ شهریور ۱۴۰۲



# ویژگی‌ها و درس‌های خیزش انقلابی

## 1401



در حیات 44 ساله جمهوری اسلامی ایران، خیزش معروف به زن زندگی آزادی رخداد سیاسی-اجتماعی بزرگ و بیسابقه‌ای بود. سه ویژگی و سه درس اصلی آن را از دید خود بیان می‌کنیم.



**ویژگی اول: خیزشی خودجوش، مردمی و انقلابی.**

خیزش خودانگیخته بود. دسته‌ای، حزبی، جریانی یا قدرتی، نه در داخل کشور و نه از خارج، آن را به وجود نیاورده بود. رهبری یا هدایت نمی‌کرد. از پیش



سازماندهی یا برنامه‌ریزی نکرده بود. تئوری یا ایدئولوژی خاصی، جز امر آزادی، راه‌نمای این جنبش نبود. این خیزش تنها از درون خود نیروی مادی و معنوی می‌گرفت. این جنبش در روند مستقل خود موفق به تشکلیابی نشد. اما توانست، با وجود سرکوب و ترور، شکل‌ها و شیوه‌هایی از هماهنگی، پیوند و سازماندهی میان خود ایجاد کند. به گونه‌ای خودجوش، خودمحور و خودمختار. به صورت جنینی، موقتی، موضعی، افقی و محلی.

خیزش از سوی دیگر مردمی بود. زیرا نیروی اصلی آن را جوانان و نوجوانان، به‌ویژه دختران و زنان، تشکیل می‌دادند. اینان امروز نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. قیام‌کنندگان برخاسته از اقشار و طبقات مختلف بودند. از اتنی‌های مختلف ایران. از شهرها و شهرستان‌های بزرگ و کوچک. از سراسر کشور. مردم اما در انبوه خود، به دلایل مختلف، مستقیم یا به میدان نگذاشتند. با این حال، از راه‌ها و با شیوه‌های گوناگون، همبستگی و همسویی خود را با مبارزان خیابانی ابراز نمودند.

خیزش سرانجام انقلابی بود. بدین معنا که خواست برافتادن رژیم جمهوری اسلامی را داشت. رفرمیستی یا اصلاح‌طلب نبود. از نوع جنبش‌های اجتماعی پیشین در دهه‌های 80 و 90 نبود. جنبه‌ی مذهبی به هیچ‌رو نداشت. این خیزش خواستی، تقاضایی و یا مطالبه‌ای از حاکمان و رژیم نداشت. چه معیشتی، چه اقتصادی، چه صنفی و یا سیاسی. این خیزش از دولت افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی نمی‌خواست. مطالبه‌ی حقوق عقب افتاده نمی‌کرد. مطالبه‌ی آب، نان، کار، مسکن و از این دست نداشت. گدایی انتخابات آزاد و رفراندوم نمی‌کرد. این جنبش، انقلابی بود و بس. چون کلیت نظام دیکتاتوری دینی و تبعیض را نمی‌خواست. از ایدئولوژی و مجلس اسلامی‌اش تا قوای اجرایی، قضایی و نیروهای انتظامی‌اش.

**ویژگی دوم: خیزشی علیه حجاب اجباری و زن‌ستیزی.**

در تمام این سالها، از انقلاب 1357 تا کنون، زنان ایران همواره در صف مقدم مبارزه با تبعیض جنسیتی و زن‌ستیزی یک رژیم تئوکراتیک قرار داشتند. دو پدیدار زن‌ستیزی و دین‌سالاری ویژگی ماهوی نظام حاکم بر ایران را تشکیل می‌دهند. در خیزش 1401، دختران جوان، با اعتراض به حجاب اجباری، با روسری از سر برداری، دست به نفی شریعت و دین‌سالاری زدند. آن‌ها برابری زن و مرد را اعلام می‌نمودند. عمل روسری‌سوزی آن‌ها در میادین شهر، در ملا عام، فوق‌العاده جسورانه و بی‌سابقه بود. نه تنها در تاریخ ایران بلکه در تاریخ جهان. از این رو نیز مورد پشتیبانی جهانیان قرار گرفت. با مبارزات خود علیه زن‌ستیزی، زنان ایران در عین حال دست به یک اقدام فمینیستی جهان‌شمول می‌زدند. یعنی مبارزه برای رهایی زن از سلطه مردسالاری.

## **ویژگی سوم: خیزشی علیه دیکتاتوری و تبعیض، برای آزادی.**

خیزش 1401 علیه دیکتاتوری و تبعیض‌های مختلف از جمله بر اتنی‌های مختلف ساکن ایران بود. خیزش برای کسب آزادی و در عین حال دموکراسی بود. با اینکه خواست دموکراسی آشکارا توسط معترضان خیابان اعلام نشد، اما جنبه اصلی آزادی‌خواهی خیزش را تشکیل می‌داد. از سوی دیگر، اقلیت‌های اتنیکی (اقوام یا ملیت‌ها) در ایران، از کردستان تا بلوچستان، در خیزش 1401 شرکتی بسیار فعال داشتند. بسیاری از اینان نیز دستگیر و تعدادی اعدام شدند. خواست‌ها و شعارها همگی در جهت همبستگی و برابر حقوقی مردمان گوناگون در ایران بود. این خود بیان‌گر یکی دیگر از ویژگی‌های خیزش 1401 بود که مساله‌ی تبعیض اتنیکی را مطرح می‌کرد. تبعیض توسط رژیم تمرکزگرا که با زندگی آزادانه و برابری انسان‌ها در تفاوت‌های اتنیکی (قومی یا ملیتی)، فرهنگی، زبانی و غیره‌شان دشمنی بنیادی دارد.

با توجه به این ویژگی‌ها، درس‌های اصلی این خیزش را در سه نکته بیان می‌کنم.

## درس اول: ضرورت طرح شعارهای ایجابی.

کنشگران آزادی‌خواه ایران موظفانند، همراه با شعارهای سلبی و نفی‌گرا، شعارها و هدف‌های ایجابی و اثباتی خود را طرح کنند. در مبارزه برای سرنگونی یک نظام، اگر شعارهای سلبی همراه نشوند با طرحی جایگزین، آشکار و ایجابی، تغییری اساسی در اوضاع به وجود نخواهد آمد.

در اوضاع سیاسی- اجتماعی ایرانِ امروز، طرح اثباتی مورد نظر ما، هم در برابر جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد و هم در مقابل آل‌ترناتیوهای اقتدارگرای دیگر چون طیفی از راست سلطنت‌طلب تا چپ توتالیتار با گذر از جمهوری‌خواهان اقتدارگرا. سه شعار ایجابی جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک در شرایط امروز ایران می‌توانند چنین باشند:

**نه به دیکتاتوری، آری به دموکراسی. نه به دین‌سالاری، آری به لائیسیته. نه به پادشاهی، آری به جمهوری.**

**دموکراسی** چون مشارکت مردمان در اداره‌ی امور خود، ممکن نیست مگر با استقرار آزادی‌های گوناگون. آزادی بیان، اندیشه و عقیده. آزادی تشکل، تجمع، حزب و سندیکای مستقل. آزادی مخالفت کردن. آزادی اعتراض، تظاهرات و اعتصاب. آزادی مطبوعات و رسانه‌های مستقل. به طور کلی آن چه که آزادی‌های مدنی می‌نامیم. دموکراسی، در تعریف متعارف آن، یعنی انتخابات آزاد با رأی همگانی، وجود مجلس و نهادهای آزاد و مستقل. دموکراسی یعنی پلورالیسم، چندگانگی و پذیرش وجود تعارض و اختلاف در جامعه. با این تعریف، دموکراسی مورد نظر ما با هر گونه مناسبات اقتدارگرا، دیکتاتوری، پادشاهی، فرد سالاری، دین‌سالاری، تک-حزبی و توتالیتار در تضاد قرار می‌گیرد.

**لائیسیته** چون جدایی دولت (منظور سه قوای قانون‌گذاری، قضائی و اجرائی، که برخی حکومت

نامند) و دین، برابری همه شهروندان مستقل از اعتقادات دینی یا غیر دینی‌شان را تضمین می‌کند. در لائیسیته، دین رسمی وجود ندارد، مذهب و دین امر خصوصی تلقی می‌شوند و هر فرد آزاد است که باورمند به دین، بی‌دین یا ضد دین باشد.

**جمهوری** در مقابل پادشاهی و سلطنت قرار می‌گیرد. در جمهوری، سیاست، دولت، حکومت و به طور کلی اداره‌ی امور جامعه و کشور، امر عموم تلقی می‌شود و نه در انحصار فردی، دسته‌ای، شورایی، حزبی، طبقه‌ای و یا نمایندگانی. جمهوری، در تعریف متعارف آن، یعنی حکومت قانون، استقلال سه قوای اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی. یعنی انتخابی بودن مقامات کشوری برای مدتی محدود و معلوم، از رئیس‌جمهور تا نمایندگان مجلس و غیره. چون حافظ یکپارچگی و وحدت کشور، جمهوری مورد نظر ما تمرکزگرا نیست. جمهوری غیر متمرکز شرط همزیستی مسالمت‌آمیز مردمان مختلف ساکن ایران است. سرزمینی با اتنی‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون و با خواست‌های دموکراسی‌خواهانه و برابری‌طلبانه. شکل عدم تمرکز (خودمختاری، فدرالیسم، مجالس استانی و یا غیره...) را مردم ایران از راه دموکراتیک، با تشکیل مجلس مؤسسان تعیین و تبیین خواهند کرد.

**درس دوم: ضرورت تشکلیابی جنبش داخل با اتکا به نیروی خود.**

جنبش‌های اجتماعی نوین امروزی، چه در جهان و چه در ایران، تحزب سنتی را رد و نفی می‌کنند. این گونه تحزب و شکل سازماندهی عموماً هی‌رارشیک، قدرت‌طلب و اقتدارگراست. اما جنبش‌های امروزی در پی ابداع شکل‌های جدید و متفاوتی از سازماندهی خود برای تغییرات بنیادی اجتماعی می‌باشند. چنین امری، به‌ویژه در فقدان دموکراسی و آزادی، مانند شرایط امروز ایران، البته کاری بس دشوار است، اما ناممکن نیست. این تشکلیابی‌های نوین می‌خواهند به صورت جنبشی، افقی، شبکه‌ای و غیرسلسله‌مراتبی عمل نمایند. دموکراتیک، مستقل از دولت، احزاب و

قدرت‌ها باشند. خودمختار و خودگردان باشند. متکی بر مجمع عمومی باشند. یعنی هم‌زمان هم خود تصمیم گیرنده باشند و هم خود اجرا کننده. این تشکلیابی‌های نوین رهبری‌های خودساخته و از بالا را بر نمی‌تابند. قیومیت آن‌ها را نمی‌پذیرند.

پرسش اصلیِ امروزی این است: خیزش‌ها و جنبش‌های اجتماعی ضدسیستمی کنونی، با خصوصیاتی که نام بردیم، چگونه قادر به ایجاد تغییرات اساسی اجتماعی خواهند شد؟ اکنون ما پاسخی هنوز برای این پرسش نداریم. در تجربه و عمل و با درس‌گیری از کمبودها و نارسایی‌های خود است که این خیزش‌ها و جنبش‌ها قادر خواهند شد راه‌کارهایی مناسب بیابند. با این حال از نظر من چند باور را می‌توان از هم اکنون به صورت اثباتی بیان کرد. این که این خیزش‌ها و جنبش‌ها از راه اتکا به نیروی خود و مستقل از دولت، قدرت‌ها و احزاب قدرت‌طلب و اقتدارگرا می‌توانند تعیین کننده شوند. از راه تداوم و گسترش مبارزات خود. از راه پایداری و پایبندی به امر آزادی، دموکراسی، پلورالیسم و چندگانگی هم به طور کلی در میدان مبارزات اجتماعی و هم به طور خاص در روابط و زندگی درون خود. از راه مسالمت‌آمیز و پرهیز از قهر، خشونت و حذف مخالفان. از راه پذیرش و به رسمیت شناختن اختلاف‌ها و تضادهای درون خود. از راه نفی و رد ایدئولوژی‌های توتالیتر، ناسیونالیستی، اقتدارگرا و قدرت‌طلب. سرانجام از راه پیوند و هم‌سو کردن خود زیر خواست‌های ایجابی و اثباتی. و این‌ها همه با تشکل‌پذیری خود به دست خود، در خودمختاری، خودگردانی و خودسازماندهی.

**درس سوم: ضرورت همکاری جمهوریخواهان خارج کشور در همبستگی با جنبش داخل.**

مهم‌ترین، اگر نه تنها، وظیفه‌ی جریان‌های اپوزیسیونی خارج از کشور همبستگی عملی و معنوی با جنبش داخل کشور است. اینان، از هر دسته و گرایشی، بهتر است دنبال سراب نروند. یعنی چنگ زدن به

سیاست‌های آلترناتیو سازی در خارج از کشور و رهبری جنبش داخل از خارج از کشور، که توهمی بیش نیست. تلاش‌های بیهوده برای ایجاد "بَدیل" و "رهبری" خود ساخته، کاذب و به دور از جامعه و مبارزات عینی داخل کشور، فرجامی ندارند جز ایجاد وابستگی به قدرت‌های خارجی و منحرف کردن اپوزیسیون خارج از کشور از وظیفه اصلی‌اش.

این وظیفه اصلی، یعنی ایجاد همبستگی بین‌المللی با جنبش داخل کشور و گسترش هر چه بیشتر آن، می‌تواند از راه فراخواندن نهادها، انجمن‌ها و نیروهای دموکراتیک و مترقی جهان صورت پذیرد. با برگزاری کارزارهای اعتراضی علیه جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضدبشری آن. در همین راستا، اپوزیسیون خارج کشور باید در جهت انزوای هر چه بیشتر جمهوری اسلامی در جامعه جهانی گام بردارد. خواست‌های کنکرتنی را مطرح کند. برای تحقق آن‌ها، دولت‌ها، پارلمان‌های دموکراتیک و نهادهای بین‌المللی را مورد خطاب و زیر فشار قرار دهد. از جمله به خواست‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

- 1- افزایش بسته‌های تحریمی با هدف تشدید فشار بر رژیم اسلامی و عوام‌لش و نه بر مردم.
- 2- کاهش همکاری‌های اقتصادی و تجاری با جمهوری اسلامی متناسب با تشدید نقض حقوق بشر در ایران.
- 3- قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی.

یکی دیگر از وظایف مهم جمهوری‌خواهان دموکرات در خارج از کشور، ایجاد همکاری و همگرایی میان خود است. از دید من، همکاری و همگرایی تنها می‌تواند در بین روندهای نزدیک به هم به لحاظ سیاسی، نظری و سبک کاری صورت پذیرد. زیرا همکاری و همگرایی با پاره‌ای از جریان‌های سیاسی، حتا با آن‌ها که ادعای ترقی‌خواهی، چپ و یا جمهوری‌خواهی دارند، مقدور نیست. چون اینان اقتدارطلبانند. نه جمهوری‌خواه، نه



دموکرات و نه آزادیخواهانند. از سوی دیگر، در خارج از کشور، امر همکاری و همگرایی جمهوریخواهان نزدیک به هم و همسو نیز تنها در راستای وظیفه اصلی آنها یعنی پشتیبانی عملی و فکری از جنبش داخل کشور می‌تواند معنا داشته و تأثیرگذار باشد. در این مورد، می‌توان 7 اصل اساسی زیر را شرط همکاری و همگرایی جمهوریخواهان ایران در خارج از کشور قرار داد:

- ۱- پایبندی به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران در تمامیت‌اش و نه امکان اصلاح و ترمیم آن؛
- ۲- طرفداری از آزادی، جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین؛
- ۳- برابری زن و مرد؛
- ۴- پایبندی به اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیوسته‌های آن، لغو مجازات اعدام؛
- ۵- برابر حقوقی اتنی‌های مختلف ساکن ایران و عدم تبعیض.
- ۶- استقلال و یکپارچگی ایران با به رسمیت شناختن چندگانگی و تنوع زبانی، اتنیکی و فرهنگی مردمان ساکن کشور.
- ۷- عدم وابستگی به قدرتهای خارجی.

باشد که همکاری جمهوریخواهان خارج از کشور، در پرتو مبانی بالا، بتواند نقش خود را در همبستگی با جنبش‌های خواهان داخل کشور هر چه بهتر، بیشتر و کارآمدتر ایفا کند.

شیدان وثیق

ژوئن 2023 - خرداد 1402

# تظاهرات عظیم ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی در بروکسل



در روز دوشنبه 20 فوریه 2023 برابر با اول اسفند 1401 شمار زیادی از ایرانیان مقیم اروپا (نزدیک به 10 هزار نفر) همزمان با نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل مقابل شورای اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی دست به تظاهرات زدند.

یکی از خواسته‌های اصلی تظاهرکنندگان افزودن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپاست.

فراخوان این تظاهرات از سوی حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد و دریا صفایی، از چهره‌های شاخص مخالف جمهوری اسلامی داده شده بود.

پیام شیرین عبادی، وکیل سرشناس مدافع حقوق بشر در این تظاهرات پخش شد. او در این پیام با اشاره به کشتار جمعه خونین زاهدان و اعدام‌ها و ترورهای که تا کنون جمهوری اسلامی در خارج از کشور انجام داده کشورهای اروپایی را مورد انتقاد قرار داد که اگر تا حالا به دلیل "بوی نفت"، "بوی خون را در ایران استشمام" نکرده بودند، اینک جنبش "زن، زندگی، آزادی" آنها را "مجبور" به شنیدن صدای مردم ایران کرده است. او گفت: «پایه‌های جمهوری اسلامی در خون مردم است».

حامد اسماعیلیون، سخنگوی انجمن خانواده‌های جان‌باختگان هواپیمای اوکراینی طی سخنرانی در این تجمع سپاه پاسداران را "هیولای سیاسی و اقتصادی و امنیتی" نامید و آن را مسئول سرکوب و کشتار مردم در ایران خواند. او با اشاره به فهرستی از نهادهایی که مستقیم یا غیرمستقیم با سپاه در ارتباط هستند و همچنین یادآوری گروه‌های شبه‌نظامی در منطقه نظیر حشدالشعبی و حزب‌الله به عنوان "بازوی سپاه" در عراق و لبنان خواستار گنجاندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریستی اتحادیه اروپا شد.

متن بالا بخشاً از دویچه وله فارسی برگرفته شده است.

اول اسفند 1401 - 20 فوریه 2023

## هواداران

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، به روال همیشگی شرکت در تظاهرات ایرانیان آزادیخواه در خارج از کشور علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران، و در زیر سه شعار اصلی ایجابی خود یعنی: نه به دیکتاتوری! آری به دموکراسی، نه به دین‌سالاری! آری به لائیسیته!، نه به پادشاهی! آری به جمهوری، در این گردهمایی حضور داشتند و همبستگی خود را با خواسته‌های این تظاهرات و با

خیزش انقلابی زن زندگی آزادی در ایران اعلام  
نمودند.

## ویدئوها و عکسهای تظاهرات بروکسل

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2023/02/manif-20-février-Bruxelles-2.mp4>

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2023/02/manif-20-février-Bruxelles-1.mp4>

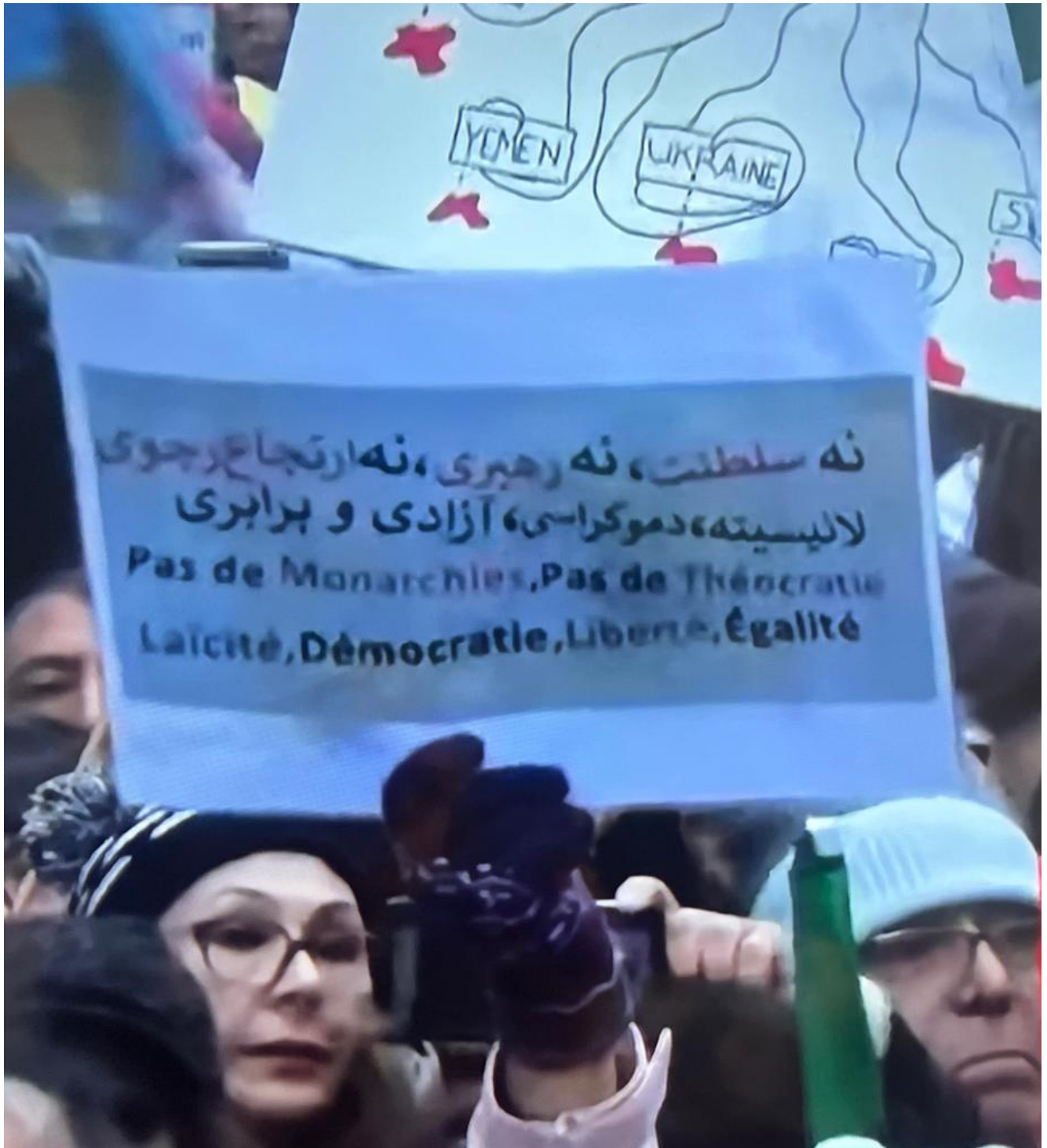
<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2023/02/manif-20-février-Bruxelles-4.mp4>

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2016/08/manif-20-février-Bruxelles-6.mp4>

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2023/02/manif-20-février-Bruxelles-5.mp4>











نویسندگان و عموم مردم ستم‌دیده ایران در جای جای کشور از کردستان تا سیستان و بلوچستان برافراشته شده و کم سابقه‌ترین حمایت‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده، اعتراضی است علیه زن‌ستیزی و تبعیض جنسیتی، ناامنی پایان‌ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار، فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، ستم ملی و مذهبی، و انقلابی است علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیرمذهبی که در طول بیش از یک قرن گذشته، بر ما - عموم مردم ایران - تحمیل شده است.

این اعتراضات زیر و رو کننده، برآمده از متن جنبش‌های بزرگ و مدرن اجتماعی و خیزش نسل شکست‌ناپذیری است که مصمم‌اند بر تاریخ یکصد سال عقب‌ماندگی و در حاشیه ماندن آرمان بر پای جامعه‌ای مدرن و مرفه و آزاد در ایران، نقطه پایانی بگذارند.

پس از دو انقلاب بزرگ در تاریخ معاصر ایران، اینک جنبش‌های بزرگ اجتماعی پیشرو - جنبش کارگری، جنبش معلمان و بازنشستگان، جنبش برابری خواهانه زنان و دانشجویان و جوانان و جنبش علیه اعدام و... - در ابعادی توده‌ای و از پایین در موقعیت تاثیرگذاری تاریخی و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور قرار گرفته‌اند.

از همین رو، این جنبش برآن است تا برای همیشه به شکل‌گیری هرگونه قدرت از بالا پایان دهد و سر آغاز انقلابی اجتماعی و مدرن و انسانی برای رهایی مردم از همه اشکال ستم و تبعیض و استثمار و استبداد و دیکتاتوری باشد.

ما تشکل‌ها و نهادهای صنفی و مدنی امضا کننده این منشور با تمرکز بر اتحاد و به هم پیوستگی جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی و تمرکز بر مبارزه برای پایان دادن به وضعیت ضدانسانی و ویرانگر موجود، تحقق خواست‌های حداقلی زیر را به مثابه اولین فرامین و نتیجه‌ی اعتراضات بنیادین مردم ایران، یگانه راه پی افکنی ساختمان جامعه‌ای نوین و مدرن و انسانی در کشور می‌دانیم و از همه انسان‌های شریف که دل درگرو آزادی و برابری و رهایی دارند می‌خواهیم از کارخانه تا دانشگاه و مدارس و محلات تا صحنه جهانی پرچم این مطالبات حداقلی را بر بلندای قله رفیع آزادیخواهی برافراشته دارند.

۱. آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، منع جرم‌انگاری فعالیت سیاسی و صنفی و مدنی و محاکمه علنی آمرین و عاملین سرکوب اعتراضات مردمی.

۲. آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، حزب، تشکلهای محلی و سراسری صنفی و مردمی، اجتماعات، اعتصاب، راهپیمایی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های صوتی و تصویری.

۳. لغو فوری صدور و اجرای هر نوع مجازات مرگ، اعدام، قصاص و ممنوعیت هر قسم شکنجه روحی و جسمی.

۴. اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی، امحا و لغو بی‌قید و شرط قوانین و فرم‌های تبعیض آمیز علیه تعلقات و گرایش‌های جنسی و جنسیتی، به رسمیت شناختن جامعه‌ی رنگین‌کمانی "ال‌جی‌بی‌تی‌کیو‌آی‌ای‌پلاس"، جرم زدایی از همه تعلقات و گرایش‌های جنسیتی و پایبندی بدون قید و شرط به تمامی حقوق زنان بر بدن و سرنوشت خود و جلوگیری از اعمال کنترل مردسالارانه.

۵. مذهب امر خصوصی افراد است و نباید در مقدرات و قوانین سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور دخالت و حضور داشته باشد.

۶. تامین ایمنی کار، امنیت شغلی و افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکشان شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نماینده‌های منتخب تشکلهای مستقل و سراسری آنان.

۷. امحا قوانین و هر گونه نگرش مبتنی بر تبعیض و ستم ملی و مذهبی و ایجاد زیر ساخت‌های مناسب حمایتی و توزیع عادلانه و برابر امکانات دولتی برای رشد فرهنگ و هنر در همه مناطق کشور و فراهم کردن تسهیلات لازم و برابر برای یادگیری و آموزش همه زبان‌های رایج در جامعه.

۸. بر چیده شدن ارگان‌های سرکوب، محدود کردن اختیارات دولت و دخالت مستقیم و دائمی مردم در اداره امور کشور از طریق شوراهای محلی و سراسری. عزل هر مقام دولتی و غیر دولتی توسط انتخاب کنندگان در هر زمانی باید جزو حقوق بنیادین انتخاب کنندگان باشد.

۹. مصادره اموال همه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و شبه دولتی و خصوصی که با غارت مستقیم و یا رانت حکومتی، اموال و ثروت‌های اجتماعی مردم ایران را به یغما برده‌اند. ثروت حاصل از این مصادره‌ها، باید به فوریت صرف مدرن سازی و بازسازی آموزش و پرورش، صندوق‌های بازنشستگی، محیط زیست و نیازهای مناطق و

اقشاری از مردم ایران شود که در دو حکومت جمهوری اسلامی و رژیم سلطنتی، محروم و از امکانات کم‌تری برخوردار بوده‌اند.

۱۰. پایان دادن به تخریب‌های زیست محیطی، اجرای سیاست‌های بنیادین برای احیای زیرساخت‌های زیست محیطی که در طول یکصد سال گذشته تخریب شده‌اند و مشاع و عمومی کردن آن بخش‌هایی از طبیعت (همچون مراتع، سواحل، جنگل‌ها و کوهپایه‌ها) که در قالب خصوصی سازی حق عمومی مردم نسبت به آن‌ها سلب شده است.

۱۱. ممنوعیت کار کودکان و تامین زندگی و آموزش آنان جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده. ایجاد رفاه همگانی از طریق بیمه بیکاری و تامین اجتماعی قدرتمند برای همه افراد دارای سن قانونی آماده به‌کار و یا فاقد توانایی کار. رایگان سازی آموزش و پرورش و بهداشت و درمان برای همه مردم.

۱۲. عادی سازی روابط خارجی در بالاترین سطوح با همه کشورهای جهان بر مبنای روابطی عادلانه و احترام متقابل، ممنوعیت دستیابی به سلاح اتمی و تلاش برای صلح جهانی.

از نظر ما مطالبات حداقلی فوق با توجه به وجود ثروت‌های زیر زمینی بالقوه و بالفعل در کشور و وجود مردمی آگاه و توانمند و نسلی از جوانان و نوجوانانی که دارای انگیزه فراوان برای برخورداری از یک زندگی شاد و آزاد و مرفه هستند، به فوریت قابل تحقق و اجراست.

مطالبات مطروحه در این منشور، محورهای کلی مطالبات ما امضا کنندگان را لحاظ و بدیهیست در تداوم مبارزه و همبستگی خود به صورت ریز و دقیق‌تری به آنها خواهیم پرداخت.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران  
اتحادیه آزاد کارگران ایران  
اتحادیه تشکلهای دانشجویی دانشجویان متحد  
کانون مدافعان حقوق بشر  
سندیکای کارگران شرکت نیشکرهفت تپه  
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت  
خانه فرهنگیان ایران (خافا)  
بیدارزنی  
ندای زنان ایران  
صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز

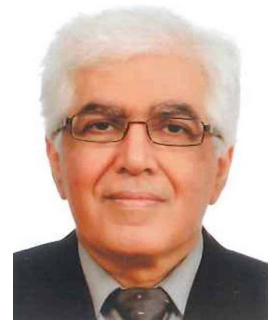
کانون مدافعان حقوق کارگر  
انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه  
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری  
اتحاد بازنشستگان  
شورای بازنشستگان ایران  
تشکل دانشجویان پیشرو  
شورای دانش آموزان آزاد اندیش ایران  
سندیکای نقاشان استان البرز  
کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران  
شورای بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی (بستا)

---

# رستاخیز زن زندگی آزادی را دریا بیم!



فاضل غیبی



آنچه را "رستاخیز زن، زندگی، آزادی" نام دارد، باید به عنوان والاترین رستاخیز دمکراتیک در تاریخ جهان به خوبی بشناسیم و با استفاده از تجربیات کشورهای پیشرفته از ویژگی‌های برجسته و یگانگی آن پاسداری کنیم. در این راستا دو مهمترین خطری که رستاخیز نوین ایران را تهدید می‌کنند، اینها هستند:

1) خطر نخست که در کشورهای ناآشنا با دمکراسی بسیار جدی است؛ اینکه در این کشورها دمکراسی با انتخابات و آنچه از صندوق رأی بیرون می‌آید یکی شمرده می‌شود. اما این ترفند امروزه در دست نیروهای توتالیتر و حتی فاشیستی نیز به بهترین وسیله برای تسخیر قدرت بدل شده است. رفراندم 12 فروردین 1358 از این دیدگاه در تاریخ سیاسی دنیا بی‌همتا بود و باید برای هر آزادیخواهی بزرگ‌ترین درس عبرت باشد، زیرا در آن رفراندم اکثریت قریب به اتفاق مردان و زنان ایرانی با رأی خود آزادانه رژیم فاشیست اسلامی را انتخاب کردند!

بنابراین می‌توان گفت که صندوق رأی در بهترین حالت نمایانگر توازی است که بر جامعه حاکم شده و اینکه کسانی گذار به حکومتی دمکراتیک و ضامن آزادی‌های فردی و اجتماعی را به «رفراندم» پس از «سرنگونی» وامی‌گذارند، با توجه به نارسایی منش دمکراتیک و سقوط فرهنگی جامعه در طول چهار دهه گذشته، خطری بزرگ را متوجه رشد رستاخیز نوین ایران می‌کنند! به این تصور از سوی تبلیغاتی دامن زده می‌شود که منتظر سرنگونی قهرآمیز رژیم‌مانند، در حالی که صرف‌نظر از ابزار سرکوب بی‌حد و مرز، حکومت اسلامی ایران سرنیز «بین‌الملل اسلام سیاسی» است و پشتیبانان این حکومت در سطح جهانی (نمونه: قطر) برای پیشگیری از سقوط آن از هر وسیله‌ای استفاده خواهند کرد. وانگهی سرنگونی قهرآمیز حکومت جهل و جنایت با وجود میلیون‌ها "ساندیس‌خور"، اگر به جنگ داخلی منجر نشود، به هیچ روی به برقراری دمکراسی نخواهد انجامید!

اما درست در چنین شرایط هولناکی رستاخیز بزرگ "زن، زندگی، آزادی" نشان داده است که با تکیه بر سرافرازی انسانی، آزادی‌خواهی و تدابیر هوشمندانه می‌توان نه تنها نسل جوان ایران، بلکه تمامی اقشار جامعه را همراه خیزشی کرد که ریزش ساختارهای حکومت آخوندی را باعث خواهد شد.



این رستاخیز با سرشتی کاملاً نوین خلاف تشکلهای اجتماعی و سیاسی پیشین، با مشکلی به نام "رهبری" مواجه نیست، زیرا از «توده» شکل نگرفته، بلکه بر دوش آزادگان ایرانی استوار است. چنانکه تجربۀ گردهم‌آیی‌های ایرانیان در خارج از کشور نشان داده است، این خیزش در راه گسترش خود خدمتگزارانی را خواهد یافت که با اتکا به خرد جمعی این رستاخیز را به سوی پیروزی همراهی خواهند کرد. پیوستن پرشمار شخصیت‌های برجستۀ ایرانی، که در کشورهای دمکراتیک پرورش یافته‌اند، شاهد این ادعا است که در ایران نیز زنان و مردان دانا، هوشمند و کاردان، فعالانه از این رستاخیز پشتیبانی می‌کنند. با این وصف زن، زندگی، آزادی در راه گسترش خود حلقۀ نوینی از شخصیت‌هایی را برخواهد کشید که نه تنها جنبش کنونی را به سوی پیروزی همراهی خواهند کرد، بلکه با همیاری آزادگان ایرانی شالودۀ دمکراسی را پی خواهند ریخت.

2) خطر دیگری که دمکراسی‌های نوپا را تهدید می‌کند، کارزار تبلیغی دو گروه چپ و راست افراطی است که همواره می‌کوشند با حملات شدید به یکدیگر و هياهو دربارۀ خطر طرف مقابل، خود را هرچه بیشتر مطرح نمایند. هدف این دو گروه این است که با تشنج‌فزایی به ترس و ناامیدی دامن زنند و بدین وسیله سربازگیری کنند. گروه‌های رادیکال چپ و راست ممکن است در اوضاع بحرانی بتوانند فرآیندهای اصلی جامعه را دچار اختلال کرده بدین ترتیب در رویکردی کودتاوار قدرت سیاسی را تصرف کنند. در این مورد چگونگی فعالیت و ترفندهای تبلیغی دو حزب نازی و کمونیست در دهۀ 20 سدۀ گذشته در آلمان بسیار آموزنده است.

رستاخیز زن زندگی آزادی با خیزشی به پیشگامی جوانان دختر و پسر آغازید؛ نسلی که خسته و رنجور از شیفتگی خسران‌آور نسل گذشته برای ایدئولوژی چپ و اسلامی خواستار زندگی آزاد، شاد و مرفه در ایرانی آباد، پیشرفته و سرافراز است. پس از شوک هفته‌های نخست که در آنها «بازماندگان اپوزیسیون سنتی» در برابر خیزش نوین ایران مات و مبهوت مانده بلکه درمانده بودند، به تازگی می‌کوشند این جنبش فرهنگی سیاسی را پیامد «مبارزات» خود جلوه دهند و مصادره کنند. آنان پس از چهار دهه که با گرفتاری در توهمات خود با زوال جمع هواداران روبرو بودند، اکنون می‌کوشند تا با «تاکتیک فرار به جلو» دستکم حسابی برای خود در ایران آیند. باز کنند. در حالی که خیزش نوین ایران همۀ قید و بندهای فکری گذشته، از اسلامی و چپ گرفته تا عرفانی و پست‌مدرن، را گسسته و

با تصویری روشن از اهداف خود به پیش می‌رود.

این مدعیان رهبری هنوز هم در نیافتن آنکه برجستگی شخصیت سیاسی نه بر بقا در موقعیتی است که نصیبشان شده، بلکه به گام‌هایی بستگی دارد که در راستای منافع ملی و بهبود اوضاع کشور بر می‌دارند. زندگی‌نامه سیاستمداران برجسته در کشورهای دمکراتیک نشان می‌دهد که بدون استثنا میزان شایستگی و خوشنامی آنان بستگی به شجاعت و ابتکاری دارد که از خود نشان داده‌اند و چه بسا بدواً بدین علت مورد بی‌مهری و حتی دشمنی قرار گرفته باشند.

خوشبختانه در خیزش "زن، زندگی، آزادی" دیگر اینکه فلانی پسر آیت‌الله است و یا بهمانی شاهزاده، اهمیتی ندارد. نمونه آنکه، بنا به داده‌های آماری دو/سوم ایرانیان تسلط اسلام را عامل نابسامانی ایران می‌دانند و بدین سبب خود را دیگر مسلمان نمی‌دانند، حال آنکه این «رهبران» کماکان بر مسلمانان خود پا می‌فشارند. به همین گونه است خواستگاری دوستی و همکاری با هم‌کشورها (از جمله اسرائیل و آمریکا) و یا بزرگداشت رنگین‌کمان قومی، فرهنگی و دینی در پهنای ایران‌زمین.

رستاخیز "زن زندگی آزادی" با سرشتی کاملاً متفاوت بر خاکستر «تئوری‌های انقلابی» پدید آمده است و با «خیال‌پردازی» حک شده در ذهن "پنجاه و هفتی‌ها" پیوندی ندارد. اما از راهنمایی‌ها و خردورزی‌های اندیشمندان تاریخ ایران و همچنین خردمندان معاصر کشورهای دیگر سود می‌برد. نمونه آنکه این جنبش خواستار هم‌حقوق و آزادی‌های شهروندان در «جوامع باز» و پیشرفت دنیا است و نه تنها برای آیندگان تصمیم نمی‌گیرد، بلکه در این برهه جز آزادی از قید ضد انسانی‌ترین رژیم‌های تاریخ هدفی ندارد.

رستاخیز نوین ایران نه تنها از بندهای خرافات دینی و اعتقادات تفرقه‌افکن رها شده، بلکه هم‌ایدئولوژی‌های قرن بیستمی را نیز پشت سر گذاشته است. در بندهای «مغزهای پوسیده» نمی‌دانند که قدرت خیزش اجتماعی نه در پرشماری هواداران، بلکه در توانایی برای نواندیشی نهفته است. پایگاه این رستاخیز نه توده افسون‌زده، بلکه آگاه‌ترین گروه جامع مدنی ایرانی است که ویژگی‌های فردی و اجتماعی مدرنیته را در خود نهادینه کرده است.

اندیشه نقطه مشترک انسان‌ها است و خیزش نوین ایرانیان توانسته با انسان‌دوستی هم‌دیوارهای قومی، مذهبی و جنسی را نابود کند.

آن را دیگر باید «رستاخیز» نامید زیرا گفتمان ملتی آزاده را به گونه‌ای بازگشت‌ناپذیر به گفتمان بخش بزرگی از جامعه ایران بدل کرده است.

بدین معنی خیزش نوین ایران نه تنها هر ایرانی را که با اعتقادات پوسیده وداع گفته باشد در خود می‌پذیرد، بلکه آغوش آن برای هم‌گروه‌های ایرانی در عین حفظ «کیستی» و «چیستی» خود نیز گشوده است. گردهم‌آیی برلین پدید آمدن تاریخی بی‌همتایی بود که نشان داد ایرانیان تا چه حد از بلوغ اجتماعی و فکری برخوردارند و دمکرات‌منشی را در چه سطح بالایی تحقق بخشیده‌اند. بدین معنی دمکرات‌منشی نه تنها مدارا با دیگر گرایش‌ها و عقاید است، بلکه دفاع از حق و آزادی مخالفان برای ابراز و تبلیغ عقاید خود نیز هست. از این رو، گروه‌های اجتماعی و سیاسی تنها در صورتی می‌توانند مدعی دمکرات‌منشی باشند که فعالانه از آزادی گروه‌های مخالف دفاع کنند!

بنا بر این دمکراسی‌خواهی رنگ نیست که بتوان از امروز به فردا عوض کرد، بلکه یکی از ویژگی‌های انسان مدرن است و گروه‌های افراطی که نمی‌توانند از توهمات و تعصبات خود دست بردارند، طبعاً خود را از پیوستن به رستاخیز تمدنی ایران محروم می‌کنند و دیری نخواهد پایید که با پیشرفت رستاخیز نوین به حاشیه رانده می‌شوند. نمونه‌وار، سازمانی که بر لزوم وجود «روسری» برای زنان پافشاری می‌نماید، طبعاً خود را از پیوستن به رستاخیز «زن زندگی آزادی» محروم می‌کند و یا گروهی که برای آن آزادی و اختیار شهروندی والاترین آرمان نیست، نمی‌تواند در این رستاخیز نوین جایگاهی شایسته داشته باشد.

گرایش‌هایی که در طول سه ماه گذشته از سوار شدن بر سیل خیزش نوین ایرانیان ناامید شده‌اند، اینک هم‌نیروی بجامانده خود را به میدان آورده‌اند؛ از چپ افراطی که «زن، زندگی، آزادی» را «شعاری ضد انقلابی» می‌نامد تا راست افراطی که وانمود می‌کند گویی ایرانیان سرانجام پس از چهار دهه برای بازگشت سلطنت به پا خاسته‌اند!

هرچند این حملات نشان‌دهنده پسرفت رستاخیز «زن، زندگی، آزادی» نیست، اما ضرورت مرزبندی با گرایش‌های بازمانده از تسلط متولیان اسلام را نشان می‌دهد. رستاخیز نوین ایران برای هم‌گرایش‌های سیاسی و اجتماعی، از دینی تا قومی گشاده‌رو است و همه را مختار می‌کند که

حتی با پرچم خود در آن شرکت کنند و به تبلیغ نقطه نظرات خویش بپردازند. اما در عین حال این خیزش مدرن و مترقی باید در برابر کوشش‌های مورد اشاره برای دگرگونی و مسخ درونمایه این رستاخیز نوپا ایستادگی کند.

از جمله آنکه: رستاخیز "زن، زندگی، آزادی" پیش از آنکه در پی «سرنگونی» رژیم اسلامی حاکم بر ایران باشد، با تکیه بر میهن‌دوستی نهفته در نهاد هر ایرانی در راه «ریزش» حکومت جهل و جنایت می‌کوشد. بنا بر این رستاخیزی فرهنگی است که با «رقص و گل و شادی» با رژیم مرگ‌آفرین و "شهیدپرور" می‌رزد. از این‌رو شایسته است که به جای شعارهای اسلامی «مرگ بر...» و «لعنت به...» بانگ شادی و آزادی‌خواهی برکشیم و شعارهای ابتکاری سر دهیم.

نمونه: «ایران، زیباترین زن جهان!»